



ظهور ادبی و فرهنگی کودکان در مکزیک

آلبا نورا مارتینز

مختلف است. همان‌طور که بعداً توضیح خواهیم داد، معتقدم این روح کهن، کوششی جانبدارانه برای شکل‌گیری نوعی فرهنگ خاص کودکان در مکزیک است.

شالوده‌شکنی؛ راهبردها و عناصر آن
میخائیل باختین به مطالعه عناصر و الگوهای

در مهم‌ترین آثار ادبی معاصر کودکان مکزیک، روحی کهن احساس می‌شود که به ویژه هر چند نه انحصاراً، از طریق دو مجموعه از موضوعات تکراری نمایان می‌شود؛ آثاری که در دل خود، راهکارهای شورشگرانه‌ای دارند. منظوم الگوهای جدید فمینیستی و جنسیتی و برگرفتن نقاب از قدرت (حکومت) به اشکال

هنجارشکن، در گفتارهای جنجالی شده می‌پردازد. عناصری مانند: خنده که موجب تمسخر می‌شود؛ طعنه ثابت و پایدار که منظور از آن، گفتن چیزی و فهماندن چیز دیگر است و نیز طعنه ناپایدار و میالغه، که به موضوعی خارج از متن اشاره دارد. همچنین، تقلید تمسخرآمیز ژانرهای ادبی و شیوه‌های برخورد قدرتمندان و نیز تمسخر و میالغه، هرج و مرج و دنیای وارونه. باید یادآور شد که این آخرین عنصر هنجارشکن، از نظر باختین، نقطه اوج هنجارشکنی محسوب می‌شود.

● با بررسی موضوعات مطرح در آثار این قرن، می‌توان دریافت که قهرمانان مؤنث داستان‌ها در رمان‌های کودکان مکزیکی، دیگر منفعل نیستند

باختین تأکید دارد که عناصر فوق، با تقلید تمسخرآمیز و هجو مراسم کلیسایی و سیاست‌های رسمی حکومت، وضعیتی را تجسم می‌کنند که به نحوی فضایی ضدفرهنگی می‌سازد.

ادبیات هنجارشکن

ادبیات هنجارشکن از متونی تشکیل گردیده که دیدگاه جدیدی را شکل می‌دهند؛ زیرا این متون با تیغ دو لبه خود و نیز از طریق معانی پیچیده‌شان، ارزش‌های تحمیل شده از سوی بزرگسالان، کلیسا و حکومت را مورد تردید قرار می‌دهند و زیر پا می‌گذارند. این ویژگی متون هنجارشکن، اشکال گوناگون زیستن و مقابله با مشکلات، یادگیری روش‌های دیگر سرگرمی و نیز

توانایی‌های نهفته در خواننده را بدون تحمیل آن‌ها به وی، به او نشان می‌دهد. در متون هنجارشکن، کودک از آزادی عمل برخوردار می‌شود. در این راستا، قصه‌ها، رمان‌ها، اشعار، چیستان‌ها و ترانه‌های هنجارشکن، پرده از جلوی چشمان مان برمی‌دارد و به موضوع‌هایی نظیر فرهنگ حاکم، حکومت و حکمرانان، کلیسا، پدر، مادر، عشق فرزندی، خانواده خوشبخت، ازدواج به عنوان تنها هدف و دلیل هستی و آرمانی جلوه دادن دوران کودکی می‌پردازد.

ادبیات هنجارشکن، به طور گسترده‌ای در کتاب «برای خواندن دانالد داک»، نوشته دورفمان و ماتلارت که در مورد ادبیات به کار رفته در مجموعه کارتون‌های والت دیسنی است، مورد بررسی قرار گرفته است.

متون فمینیستی به عنوان شکلی از هنجارشکنی

دل مشغولی‌های فمینیستی و جنسیتی، با الگو (پارادایم)‌های جنجالی قابل مقایسه‌اند؛ زیرا فضایی برای هنجارشکنی پدید می‌آورند که از طریق آن می‌توان با فرهنگ سنتی تفاوت داشت. این قبیل دل مشغولی‌ها، وضعیت خاصی در ادبیات کودکان مکزیکی به وجود می‌آورند که در متون فمینیستی دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی و در انتقاد از اختلاف نظر درباره مفهوم «دختر بچه» و «پسر بچه» به چشم می‌خورد.

گفتنی است که این نوع دل مشغولی‌ها، در علائق موضوعی یا در الگوهای نویسندگان زن هزاره جدید، مانند نورما مونویز لدو، مونیکا بروسون، ویویان مانسور یا ورونیکا مورخیا دیده نمی‌شود و با آن‌که شخصیت‌های مؤنث آن‌ها در یک جامعه

(سیکسواسوس: ۳۳۷، ۱۹۹۳). در این مورد، نوشتار بیانگر هویت زنانه و خودشناسی دخترک قهرمان داستان به شمار می‌رود.

در کتاب «هفت فرار ساب» (۱۹۹۰)، نویسنده شخصیت سرافینا، نقش اول و راوی داستان را از طریق یادداشت‌های روزانه‌اش بررسی می‌کند که در آن به ناآرامی‌های خود به دلیل تغییراتی که در اندامش به وجود آمده، می‌پردازد. متن کتب «خانواده من» و «زیبای خفته صد سال بعد» (۱۹۹۳) و کتاب «می‌خواهم زنی باشم که باید باشم» نیز بیانگر تجربه هویت زنانه همان است. در مورد آثار سیلویا مولینا باید گفت که این آثار می‌توانند در رده Entwicklungsroman قرار گیرند که به آرمان‌های رشد شخصیت یا رشد روانی قهرمان زن نیز گفته شود.



آلین پترسون که مانند سیلویا مولینا، نویسنده زن معروفی در زمینه ادبیات بزرگسالان است، در سال ۱۹۹۶ کتاب «شاهزاده خانم شیطان بود» را

مردسالار، خودشان را تثبیت می‌کنند، از انتخاب‌های کم‌تری نسبت به شخصیت‌های مذکر برخوردارند.

گرایش‌های فمینیستی

در کتاب «دنیا وصله دارد» (۱۹۸۹)، اثر ماگولو کاردناس، راوی مؤنث داستان می‌خواهد دنیا را اصلاح کند. در عوض، مادر بزرگش می‌خواهد که او در کنارش گلدوزی کند: «مادر بزرگم به سرش زده که من باید خیاطی یاد بگیرم و تصمیم گرفته که یادم بدهد» (دنیا وصله دارد، ۲). در صفحه بعد، تصویری از دختر بچه (راوی) را می‌بینیم که در وضعیت بسیار ناراحتی نشسته است و دارد خیاطی می‌کند. در نمایی دیگر، از میان پنجره چند پسر بچه نشان داده می‌شوند که سرگرم بازی در باغ هستند؛ تصویری که به اختلافات جنسیتی اشاره دارد. رابطه بین کلمات و تصاویر، طعنه‌آمیز و پایدار است. آن چه تصاویر نشان می‌دهند، با گفته‌های راوی تضاد دارد. در یک حماسه تخیلی، دختر بچه جهان را نجات می‌دهد و آن را با نخ و سوزن وصله می‌زند؛ یک حربه زنانه و وابسته به سنت‌های خانوادگی. آرمان او برای تمرین توانایی‌هایش در حوزه عمومی، بدون نفی کردن هویت زنانه‌اش نشان داده می‌شود. دخترک بر اساس مجموعه تجاربی که در زندگی یاد گرفته، هویت خود را درک می‌کند.

نوشتار و هویت کودک مؤنث

سیکسواسوس اطمینان می‌دهد که متن، فضایی است که می‌تواند به عنوان چاشنی انفجاری تفکر هنجارشکنانه عمل کند؛ زیرا طلایه‌دار تحولات اجتماعی و ساختارهای فرهنگی محسوب می‌شود

هزاره جدید است که از خود دل‌نگرانی‌های فمینیستی و جنسیتی بروز می‌دهد. شخصیت‌های بزرگسال او، در مراحل یادگیری که آن‌ها را به دلیل جوان بودن‌شان به سوی کسب یک هویت زنانه - در حال گذار - سوق می‌دهد، قابل توجه‌اند. در دو تا از رمان‌هایش، به نام‌های «جهان سپتامبر داخل (و چند راه اجتناب از آن)» (۲۰۰۰) و «رام‌کننده ترس‌ها» (۲۰۰۱)، شخصیت‌ها با معطل‌رشد و نمو در دنیایی تحت سلطه قوانین مردسالارانه مواجه‌اند که به‌طور طنزآلودی توسط زنانی ادامه می‌یابد و حفظ می‌شود که شخصیت زن جوان را احاطه کرده‌اند.

در کتاب «اسرار یک سوپر قهرمان» (۲۰۰۱)، خایمه ساندووال، در تلاشی اعتراض‌آمیز نسبت به موقعیت شخصیت مؤنث، با خلق شخصیت پسرپچه‌ای قهرمان، او را نجات می‌دهد. نوجوان قهرمان ساندووال که دوران بلوغ را طی می‌کند، تحت‌الشعاع خواهر بزرگ‌ترش قرار دارد که همواره از او ماهرتر و تواناتر است. در یک تقلید مضحک از مجموعه کم‌دی سوپرمن یا بت‌من، قهرمان داستان با به ارث بردن یک لباس جادویی، به سوپر قهرمان ناجی جهان تبدیل می‌شود. رمان ساندووال، به نمایش ادبی یک مرحله زیستی شکل می‌دهد که در آن، دخترپچه‌ها از نظر تغییرات فیزیکی، زودتر و بیش‌تر از پسرپچه‌ها به تکامل می‌رسند.

تبارشناسی زنان

با این حال، با بررسی موضوعات مطرح در آثار این قرن، می‌توان دریافت که قهرمانان مؤنث داستان‌ها در رمان‌های کودکان مکزیک، دیگر منفعل نیستند، ولی هنوز روی روابط و پیمان‌های میان زنان در درون خانواده یا تبارشناسی زنانه

منتشر کرد؛ شاهزاده خانمی شهری متعلق به خانواده‌ای دمکرات. دخترپچه، خاطرات روزانه‌اش را می‌نویسد و از طریق نوشتن، به هویتی زنانه دست می‌یابد. این اثر، رابطه بینامتنی آشکاری با شعر روبن داریو دارد و آئین پترسون در آن، به الگوهای فرهنگی خاصی شکل می‌دهد که با متن شاعر مذکور تقابل دارند. در اشعار، داریو به شاهزاده خانم می‌گوید چطور عمل کند و او را به سبب آن که تک و تنها خود را در این دنیا به خطر انداخته، مورد شماتت قرار می‌دهد. در عوض، شاهزاده خانم پترسون، شانس‌ها و امکاناتش را آزادانه تجربه می‌کند.

در هزاره جدید، مونیکا برونسون درباره شاهزاده خانم‌ها کتاب می‌نویسد؛ با این تفاوت که



سایلا مولینا

این‌ها پرنسس‌هایی با سر و وضع مرتب و فعال هستند که ظاهراً نیازی نیست در مورد هویت خود یا موقعیت‌هایی که در آن زندگی می‌کنند، چند و چون کنند. البته این امر، به این مفهوم نیست که به زندگی و عمل در درون فرهنگی مردسالار ادامه نمی‌دهند.

گوادالوپه آلمان لاسکورائین، تنها نویسنده زن

در کتاب «ریاضیات جادویی»، نوشته نورما مونیوز لدو، رمانی که بلوغ ادبیات کودکان مکزیکی را نشان می‌دهد، موجودات خیالی قبل از دوران استعمار اسپانیا، به لطف سحر و جادوی یک پسر بچه و یک دختر بچه و با تأکید بر این که دختر بچه فقط دستیار اوست، از کتابی خارج و باعث هرج و مرجی می‌شوند که بیش از آن که دلهره‌آور باشد، مضحک است. نویسنده موفق می‌شود از برخی اسطوره‌های قبل از دوره کریستوف کلمب، تقدس‌زایی کند.

● ادبیات هنجارشکن از متونی تشکیل‌گرفته که دیدگاه جدیدی را شکل می‌دهند؛ زیرا این متون با تیغ دو لبه خود و نیز از طریق معانی پیچیده‌شان، ارزش‌های تحمیل شده از سوی بزرگسالان، کلیسا و حکومت را مورد تردید قرار می‌دهند و زیر پا می‌گذارند

دورفمن و ماترلارت می‌گویند که در قصه‌های سنتی پریان، زنان بدجنس همواره جادوگرانی هستند که در نقش مادر یا عنصر مؤنث ظاهر می‌شوند: «مادر در یک قیافه مبدل مضحک، یک تصویر زنانه حقیر و بی‌ارزش». دورفمن و ماترلارت از خود می‌پرسند: «این که مادر، یک جادوگر شرور معرفی بشود، آیا یک transvestism (نوعی انحراف جنسی؛ میل به استفاده از لباس جنس مخالف) فریبنده است؟» (دورفمن و ماترلارت، ۳)

آن‌ها، آن‌طور که سیکسواوس یا ایری گاری بیان می‌کنند، کار نشده و یا به آن‌ها ارجحیت داده نشده است. این امری بسیار مستداول است که دختر بچه‌های قصه‌ها با مادر بزرگ‌ها ارتباط برقرار می‌کنند. ما قبلاً در داستان معروف «کلاه قرمزی» شاهد این مطلب بوده‌ایم. روابط مادر با دختر بچه‌ها یا پسر بچه‌ها، موضوعی است که تکرار می‌شود. نمونه‌ای از این مطلب، شعر داستانی بسیار زیبای نورما مونیوز لدو، یعنی «مامان موش» (۲۰۰۰) است. در میان دخترهای بزرگ‌تر و مادران‌شان، رابطه مادر - دختر بچه یا روابط خوب میان خواهران به ندرت یافت می‌شود. در کتاب «ریاضیات جادویی»، نوشته نورما مونیوز لدو، ماریا، قهرمان فرعی، با محبت به مادرش کمک می‌کند. در برابر این عمل، مادر قهرمان مذکر از خود می‌پرسد که آیا پسرش هم به این نحو از او مراقبت می‌کند یا خیر؟

اسطوره‌های مؤنث و بازخوانی آن‌ها

منتقدی فرانسوی، معتقد است که بیش از آن‌که اسطوره‌های مذکر را با زنان هماهنگ سازیم، لازم است اسطوره‌های جدیدی برای‌شان خلق کنیم. (ایری گاری، ۱۵)

این نظریه توسط دو تن از نویسندگان مشهور، یکی خانم Arredondo مکزیکی، در کتاب «افسانه واقعی یک شاهزاده خانم» (۱۹۸۴) و دیگری خانم Anzaldúa مکزیکی - آمریکایی، در کتاب "Prieta" بیان شده است. هنجارشکنی این متون به گونه‌ای است که باعث می‌شود اسطوره‌های مؤنث را از اختفا در بیاوریم. به همین ترتیب، در کتاب "Aclaracion"، به بخشی از داستان اسطوره‌ای مکزیکی قدرت زنان پرداخته شده است.

هلن سیکسواوس اطمینان می‌دهد که ادبیات قادر است در آرمان‌گرایی بورژوازی، شکاف ایجاد کند و نیز می‌تواند نظام‌های ارزشی غالب را تغییر دهد و بازسازی کند (کتلی، ۳۱)؛ یعنی فراهم کردن شکل جدیدی از فرهنگ کودکان، از طریق فرم‌های ادبی. البته این امر از طریق الگوهای جنسیتی، تعیین هویت از طریق یادگیری، نگارش و بازآفرینی اسطوره‌ها و امکانات جدید در انتخاب پرنسس‌ها و جادوگران حاصل گردید. گواه این مدعا، کتاب «هتل هیولا، خوش آمدید!» (۲۰۰۲)،

● رمانی پست‌مدرن که با اتکا

به الگوهای هنجارشکنانه که

بسیار خوب تبلور یافته‌اند،

نمونه‌ای از بلوغ

داستان‌نویسی مکزیکی را

مجسم می‌کند

اثر ورونیکا مورخیاست که تقلیدی تمسخرآمیز و هوچی‌گرانه و اسطوره‌زدایی شده از جادوگران و هیولاهای مذکر و مؤنث ارائه می‌دهد و راهکارهای هنجارشکنانه آن از حالت‌ها، فریبکاری و حقه‌بازی، تمسخر اندام با اغراق و قیافه مبدل حاصل می‌شود که همگی آن‌ها عناصر هوچی‌گرانه به حساب می‌آیند و با راهکارهای هنجارشکنانه جنسیتی مورد استفاده نویسندگان زن پایان هزاره تفاوت دارند، اما تصویر سنتی جادوگران را خراب می‌کنند.

نمایش قدرت

نویسندگان مرد و زن پایان هزاره، در آثار خود،

برای دمکراسی‌خواهی و مساوات‌طلبی ارجحیت قائلند. این امر در مورد کتاب «بدترین خانم دنیا» (۱۹۸۰)، نوشته فرانسسیکو اینوخوسا صدق می‌کند که به مسئله قوی در برابر ضعیف پرداخته است و نحوه مبارزه با آن را شرح می‌دهد؛ موضوعی که در ادبیات شفاهی و فولکلور، به وفور یافت می‌شود. «بدترین زن جهان»، نه تنها از نهاد خانواده هنجارشکنی‌هایی که پیش‌تر از طریق اغراق و تمسخر از نقش مادرانه و تعاریف سنتی صورت گرفته بود نیز هنجارشکنی می‌کند. این هنجارشکنی تا آن‌جا پیش می‌رود که به مرز کنایه و بازگوئی واقعیات می‌رسد.

در این راستا، «لوکاس بیرون و لوکاس درون» (۱۹۹۷)، اثر کارمن لئیرو قابل توجه است.

قهرمان مؤنث داستان، برای تحقق آرزوهایش و نارضایتی نسبت به وضعیت خانوادگی و تحصیلی‌اش، دنیای خود را به معنی دقیق کلمه واژگون می‌سازد؛ دنیایی که به گونه‌ای افراطی وارونه جلوه داده و توسط همین آرزوها مهار می‌شود. دنیا توسط کرمی به نام لوکاس، نماد تمثیلی آرزوی دخترچپه، «بلعیده می‌شود». کرم تا آن‌جا رشد می‌کند که دنیا بلعیده می‌شود. پایان کار، خاتمه نیافته و مبهم است و پر از امید برای شخصیت کودک. باختین می‌گوید زمانی که جهان واژگون و در درون خودش مهار می‌گردد، اوج تخریب و هنجارشکنی است.

قدرت، خانواده و نویسندگان

قرن بیست و یکم

نویسنده کتاب «خانواده‌ها و آشنایان» (۲۰۰۰)، ویویان مانسور می‌گوید: «من نمی‌توانم ادعا کنم که

آموزش و قدرت

اگر این کتب کودکان، روابط خانوادگی را زیر سؤال می‌برند، کتاب‌های هنجارشکنانه دیگر پایان هزاره، کارآمدی نظام آموزشی را مورد تردید قرار می‌دهند؛ مانند متن خلیبر تو رندون در کتاب «داستان منظوم کودک ملامت شده» (۱۹۹۸) که در آن معلم در واقع یک جادوگر است. هم‌چنین، رمان‌های گوادالوپه آله‌مان در مورد شخصیت‌های مؤنث، سیری را دنبال می‌کنند که نظام آموزشی و دنیای مؤنث را مورد انتقاد قرار می‌دهد؛ نظامی که هم‌چون ساختاری فرهنگی (subculture) نشان داده می‌شود که نقش‌های سنتی نظام مردم‌سالار را حفظ می‌کند. رویکرد این نویسنده برای فاش کردن خودکامگی خانواده و مدرسه و روشش برای حق اظهار نظر به شخصیت کودک، از این جمله است.

قدرت حاکم

هر چند تصور می‌رود که ادبیات کودکان غیرسیاسی است، برخی متون، ارزش‌های سیاسی را بررسی می‌کنند؛ مانند کتاب «وقتی که موش‌ها شاهانه زندگی می‌کردند» (۱۹۸۶)، اثر فرانسیسکو اینوخوسا و کتاب «آن سو» (۱۹۹۳)، نوشته آلخاندرو آنورا. در این کتاب‌ها و نیز در کتاب «بدترین زن دنیا» (۱۹۸۶)، دمکراسی خواهی و افشای قدرت حکومت و تخلفات آن مطرح می‌شود. در کتاب نخست، موش‌ها، گروهی ممتاز (دارای حق ویژه) که قدرت را در دست دارند و در سایه قدرتی رازآمیز پناه گرفته‌اند که فقط آن‌ها در اختیار دارند، زندگی دیگر حیوانات را تعیین می‌کنند. کتاب «آن سو»، داستان قدرتی سیاسی در دستان پادشاهی خودکامه است که به زیردستانش دستور می‌دهد تا بروند ببینند آن طرف یا آن سو چه

ما خانواده‌ای هستیم مثل خانواده‌های دیگر» (مانسور، خانواده‌های خانوادگی ۷). او در این اثر، توصیفی پویا از تلاش پدر برای کنترل بقیه اعضای خانواده به دست می‌دهد؛ البته پیشاپیش هزینه مراسم تشییع جنازه خانواده را پرداخته؛ پدر برای آن که وقتش در هنگام بیماری و عمل‌های جراحی تلف نشود، وارد بیمارستان می‌شود تا همه جایش را عمل کنند:

«خوب، یک دفعه آپاندیس مرا درآورند، قلبم را عمل کنند و لوزه‌هایم را بردارند. این طوری می‌توانم چند روزی اداره نرم». مامان گیج است، خواهر خیلی بدخلق است و هر کس حرف "e" را بر زبان بیاورد، مادر بزرگ با عصبانیت زیاد خودش را روی زمین می‌اندازد. با اغراق‌گویی‌های فراوان و هوچی‌گرانه و با توصیف مستقیم راوی، وارد این خانواده «بسیار عجیب» می‌شویم.

خانواده «ریاضیات جادویی»، اثر نورما مونیوز لدو، خانواده‌ای استثنایی، اما کارآمد است. مادر هر روز برای کار از خانه بیرون می‌رود و فعالیتش در حوزه مسائل مردمی است. او مدیری بسیار مهم و پرمشغله است. در عوض، پدر در خانه می‌ماند، به فروش کتب کمیاب می‌پردازد و از فرزند مذکر مراقبت می‌کند که شخصیت کودک و قهرمان رمان است. جایگاه پدر در حوزه امور خصوصی قرار دارد... در این خانواده، پدر و مادر وظایف را بین خود تقسیم کرده‌اند و هیچ یک از آن‌ها روی دیگری یا روی فرزند نفوذ ویژه ندارد. در کتاب «داستان یک قلب شکسته»، نوشته مونیکا بروسون، راوی روابطی را که در خانواده‌اش جریان دارد، بیان می‌کند و در صحنه‌های جنجالی، دیدار یکی از عمه‌هایش و دوستان دختر برادرش را باز می‌گوید.

ماجراجویی‌های (خوانا آسیاچه) که مانند پسرها لباس پوشیده و با شور و هیجان به توصیف داستان می‌پردازد، حاصل می‌شود.

رمانی پست‌مدرن که با اتکا به الگوهای هنجار-شکناکه که بسیار خوب تیلور یافته‌اند، نمونه‌ای از بلوغ داستان‌نویسی مکزیکی را مجسم می‌کند.

در تمام متون هنجارشکناکه کارمن بویوسا، طنز، فریبکاری، گروتسک، الفاظ هوجبی‌گرانه، اغراق و خنده برای شکل‌دهی گفتاری دست به دست هم می‌دهند که منطقی معمول نمی‌تواند بر آن حاکم شود، بلکه نوعی دیالکتیک و تفکر فراندیشه‌ای بر آن حاکم است. (وایت ۴)

کتاب‌های «بچه‌خور» (۱۹۹۷) و «مشت» (۱۹۹۷)، دو داستانی است که با هدفی هنجارشکناکه و به شیوه‌ای استادانه خلق شده‌اند و با طنز و اغراق جنگ، مفهوم مادری و نیز قدرت حکومت و رهبرانش را زیر سؤال می‌برند. تعبیر طنزآمیز «بچه‌خور»، فقط در صورتی کاملاً قابل فهم است که معنی واژه "Swift" به سرعت خوردن بچه‌ها در نظر گرفته شود؛ زیرا این‌که هیولایی کوچک که از کودکان تغذیه می‌کند، همان کسی باشد که بچه‌ها را نجات می‌دهد، امری متضاد است... کتاب «مشت» (۱۹۹۷) قصه‌ای صلح‌طلبانه است که جنگ را مورد شماتت قرار می‌دهد؛ افشای بی‌فایده بودن اقدامات سازمان‌های صلح‌طلب در برابر دولت‌های سلطه‌طلب. در این داستان، بویوسا از اقلیت‌های اجتماعی دفاع و از حکومت، ارتش و مفهوم مادر آشنایی‌زدایی می‌کند. بویوسا به عنوان بهترین نویسنده آثار کودکان مکزیکی مطرح است و نظریات ادبی و دیدگاه‌های وی، فراتر از این نوع ادبی می‌رود.

چیزی وجود دارد. گرافیسث انریکه لیمنس، مردم را به صورت گروهی از کودکان نشان داده و در عوض، پادشاه که آدم بالعی است، با تاج و عصای مخصوص در دست، اما با لباس زیر و اصلاح نکرده، نشان داده می‌شود. تصویری از زوال قدرت، اما این از خودکامگی‌اش نمی‌کاهد و آنورا با این تصویر، فضای ضدفرهنگ دنیای وارونه را تجلی می‌دهد.

گفتنی است که متون اینوخوسا و آنورا، به ترتیب در اواخر دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی

● هر چند تصور می‌رود که ادبیات کودکان غیرسیاسی است، برخی متون، ارزش‌های سیاسی را بررسی می‌کنند

نگاشته شدند؛ یعنی هنگامی که مکزیکی دستخوش فرآیندهای چالش برانگیز استقرار دموکراسی بود.

در کتاب «ادیسه (سفری حماسی) به فضای نیستی» (۲۰۰۰)، اثر مونیکا برونسون و نیز در کتاب «جمهوری دگرگون‌کننده» (۲۰۰۱)، اثر خایمه آلفونسو ساندووال، خودکامگی حکومت به نمایش در می‌آید و مورد نقد قرار می‌گیرد؛ گواهی دیگر از این حقیقت که ادبیات کودکان بی‌تردید سیاسی است.

در کتاب «بالماسکه» (۲۰۰۴) که رمانی است سرگرم‌کننده درباره اختراعات علمی و چکاچاک شمشیر، خیلبرتو رندون تاریخ را به صورت اسطوره‌ای بازسازی می‌کند و با خودکامگی حکومت به مقابله برمی‌خیزد؛ امری که از طریق

نتیجه‌گیری

هلن سیکسواوسی بر این باور است که ادبیات می‌تواند در آرمان‌گرایی بورژوازی گسستگی ایجاد کند و نیز می‌تواند نظام‌های ارزشی غالب را تغییر دهد و دوباره نظم بخشد (کنلی، ۳۱). ادبیات کودکان مکزیکی، عمدتاً از طریق عناصر و راهکارهای هنجارشکنانه، وضعیتی اجتماعی و سیاسی را در حیطه‌های امور خصوصی و عمومی نشان می‌دهد و این‌جاست که معتقدم ادبیات کودکان مکزیکی پایان هزاره، مانند ادبیات معاصر، می‌تواند کوششی برای سامان‌دهی فرهنگ کودکان، از منظر خود کودکان یا از لحاظ تئوریک قابل دسترسی برای آنان تلقی گردد...

پی‌نوشت

Bajtín, Mikhail, *Rabelais and his world*. E. U.: M.I.T. and Indiana University Press, 1984. **Rabelais and his word**

Irigaray, Luce. *Sexes and genealogies*. New York: Columbia University Press, 1993. **Sexes and genealogies**

Lurie, Alison. *Don't tell Gown-ups why kids love the books they do*. New York: Avon Books, 1990. *Don't tell Gown-ups why kids love the books they do*.

White Hayden. *Tropics Discourse*. USA: John Hopkins University, 1978. **Tropics of Discourse**.

متون بررسی شده:

Andzaldúa, Gloria. *Prietita la Llorona*. EUA: Children's Book Press, 1996.

Alemán Lascurain, Guadalupe, *El mundo septiembre adentro (Y Varias formas de evitarlo)*. México: Ediciones Castillo, 2000.

Alemán Lascurain. *La domadora de miedos*. México: Ediciones Castillo 2001.

Alejandro Aura. *El Otro Lado*. México: FCE, Col. A la orilla del Viento, 1994.

Arredondo, Inés. *La Verdadera historia de una princesa*. México: CIDCLI, 1984.

Boullosa, Carmen. *Sólo para muchachos*. México: Alfaguara, 1977.

Bronzón, Mónica. *Odisea por el espacio inexistente*. México: FCE, A la Orilla del Viento, 2000.

Bronzón, Mónica. *Historia sobre un corazón roto Y tal vez un par de colmillos*. México: Alfaguara, 2001.

Cárdenas, Magolo. *El mundo tiene remiendo*. México: Trillas 1989.

Hinojosa, Francisco. *Cuando los ratones se daban la gran vida*. México: SEP, Libros del Rincón. Col. Chipichipi, 1986.

Jacobs, Barbara. *Las siete Fugas de Saab*. México: Botella al Mar, 1990.

Leñero, Carmen. *Lucas afuera Lucas adentro*. México: FCE, 1997.

Mansour, Vivian. *Familias familiares*. México 1999.

Murgía, Verónica. *Hotel monstruo! Bienvenidos!* México 2002.

Pettersson, Aline, *La Princesa era traviesa*. México: Alfaguara Infantil, 1998.

Molina, Silvia. *Mi familia y la Bella Durmiente cien años después*. México: Eco, 1993.

Molina, Silvia. *Quiero ser la que seré*. México: Everest, S.f.

Muñoz Ledo, Norma. *Matemáticas*. México: Norma, 2001.

Moreno, Hortensia. *El cuaderno secreto*. SM, Barco de Vapor, 2002.

Rendón Ortiz, Gilberto. *Tianguis de nombres*. México: CELTA. Barril sin fondo, 1990.

Rendón Ortriz. *Mascarada*. Mexico: Alfaguara, 2004.

Sandoval, Jaime Alfonso. *Confidencias de un superhéroe*. México: Castillo, 2001.